

کلیسای ایرانیان مسیحی سن دیه گو و ال کاهون

کتاب مقدس، دانیال نبی

درس شماره ۴۰

فصل ۶: ۱۰-۱۳

آیه حفظی برای ۳۱ ماه اکتبر سال ۲۰۲۴

کتاب مقدس، امثال سلیمان ۲۶: ۲۸

۲۸ زبان دروغگو از مجروح شدگان خود نفرت دارد، و دهان
چاپلوس هلاکت را ایجاد می‌کند.

آیه حفظی برای ۷ ماه نوامبر سال ۲۰۲۴

کتاب مقدس، یعقوب ۱: ۱۴

۱۴ لکن هرکس در تجربه می‌افتد، وقتی که شهوت وی او را
می‌کشد، و فریفته می‌سازد.

قرانت کلام: لطفاً کتابهای مقدستان را به بخش دانیال نبی فصل ششم باز بفرمائید. از چند جلسه گذشته وارد فصل ششم شدیم و امروز تمرکز ما بر روی آیات ۱۰ الی ۱۳ می باشد. برای مرور مطالب گذشته لطفاً به آن دروس گذشته رجوع کنید. و برای صرفه جویی در وقت آیات را همانطور که جلو می رویم خواهیم خواند.

دعا: دعای داشته باشیم برای درک درست کلام خدا و اطاعت درست بر اساس آن درک درست.

مطالعه امروز: در جلسات گذشته دیدیم که در آن ۹ آیه اول این فصل شما می توانید هم گناه حسادت و هم گناه چاپلوسی را ببینید. مشاوران و مقامات دربار داریوش پادشاه به دانیال حسادت می ورزیدند. بنابراین، برای از بین بردن او، گذشته او را کند و کاو کرده، ولی نتوانستند لکه ننگی در زندگی او پیدا کنند.

پس به این نتیجه می رسند که تنها راهی که می توانند بهانه برضد او پیدا کنند فقط در مورد ایمانش به خداوند می بود. بنابراین تصمیم می گیرند دامی بچینند و داریوش پادشاه را فریب دهند تا فرمانی صادر کند که برای یکماه کسی حق ندارد به هیچ خدائی دعا کند به غیر از داریوش پادشاه. می خواستند

برای یکماه داریوش را به سمت خدائی انتخاب کنند. پس لایحه ای را در آن مورد نوشته، پیش داریوش پادشاه می آورند. و داریوش بخود مغرور شده، لایحه را امضا نمود و در دام آنها افتاد.

مطالعه امروز: سپس ما پایداری دانیال را می بینیم. ۱۰ اما چون دانیال دانست که نوشته امضا شده است به خانه خود درآمد و پنجره های بالاخانه خود را به سمت اورشلیم باز نموده، هر روز سه مرتبه زانو می زد و دعا می نمود و چنانکه قبل از آن عادت می داشت، نزد خدای خویش دعا می کرد و تسبیح می خواند.

چقدر این آیه زیباست! و لطفا دقت کنید. دانیال آگاهی کامل داشت که داریوش پادشاه چه فرمانی را امضا کرده است. ولی واکنش دانیال از روی لج و لجبازی با کسی نبود. بلکه آنچه را که همیشه عادت داشت انجام دهد، ادامه داد.

آیه ۱۱: پس آن اشخاص جمع شده، دانیال را یافتند که نزد خدای خود مسألت و تضرع می نماید.

آن ویزان و استانداران قانونی بر ضد دانیال طرح ریزی کرده بودند، ولی دانیال کوچکترین اهمیتی به آن نمی داد. می رود به خانه اش و مانند همیشه خداوندش را عبادت می کند. این پایداری و استقامت دانیال را در امر زندگی کردن با خداوند نشان می دهد.

انسانها می توانند قوانین خودشان را وضع کنند. و ما موظف هستیم که از آنها اطاعت کنیم. اما زمانی که قوانین دنیا با قوانین کلام خدا تضاد پیدا می کنند، اطاعت از کلام خدا ارجحیت دارد. در انجیل مقدس، **اعمال رسولان ۵: ۲۹** می خوانیم که وقتی شورای ملایان یهود، رسولان مسیح را بازداشت کرده، تهدید و توبیخ نموده، و آنها را از بشارت دادن در نام مسیح منع می کنند، پطرس رسول پاسخ می دهد: **خدا را باید بیشتر از انسان اطاعت کرد.**

و دقت کنید! وقتی هم قوانین دنیا با قوانین کتابمقدس تضاد پیدا می کنند، طرز عدم اطاعت ما از قوانین دنیا نیز باید کتابمقدسی باشد، با ادب و احترام باشد. دقت کنید پطرس رسول و سایر رسولان هیچ نوع بی احترامی به شورای ملایان یهود نکردند. و یا خواهیم دید، وقتی هم دانیال از فرمان پادشاه اطاعت ننمود، زمانی که او را بازداشت کرده و در چاه شیران انداختند، دانیال هیچ نوع بی احترامی نه پادشاه کرد و نه حتی به آن مقامات دولتی که آن توطئه را بر ضد او چیده بودند.

حالا شاید کسی بپرسد: خوب! آیا دانیال نمی توانست کمی مخفیانه تر عبادت کند؟ آیا نمی توانست پنجره های اطاقش را ببندد و ساکت تر دعا و عبادت کنه؟ آیا نمی توانست وقتی که در خیابانها راه می رود، در دلش دعا کند تا کسی متوجه نشود؟ اصلا چی می شد یکماه دعا و عبادت نکنه؟ و یا مانند به اصطلاح مسیحیان امروزی مثلا چی می شود یکماه به کلیسا نرویم تا اوضاع آرام شود. بله دانیال می توانست این کار ها را انجام دهد ولی بعد می شد یک آدم سازشکار برای منافع خودش و یا مانند مسیحیان آبیکی امروزی. و قبلا در کتاب دانیال دیدیم که دانیال مردی نبود که حتی یک وجب هم از موضعش عقب برود و سازش کند.

بگذارید نمونه را در تاریخ کلیسا مطالعه کنیم. در نیمه قرن دوم میلادی جفای در امپراطوری روم بر ضد مسیحیان شروع می شود. همه شهروندان روم می بایستی به نشانه تعهد سیاسی شان به دولت روم، قیصر روم را پرستش کرده و برای او بخور بسوزانند. در سال ۱۵۵ میلادی مامورین رومی، مردی به نام پالی کارپ را که شبان کلیسای اسمیرنا در آسیای صغیر یا کشور ترکیه امروزی بود دستگیر می کنند، چون حاضر نبود چنین کند. فرمانده رومی که پالی کارپ را دستگیر کرده بود، او را می شناخت که یک شهروند نمونه و ایماندار مسیحی متعهدی است و نمی خواست به او آزاری برساند.

پس به پالی کارپ می گوید: "من می دانم تو چقد به خداوندت عیسی مسیح وفاداری. ولی حالا بیا و برای نجات جان خودت، بطور صوری یک بخوری بسوزان و بگو قیصر خداوند است تا من بتوانم در گزارشم بنویس که تو هم قیصر را پرستش کرده ای و آزادت کنم. وگرنه مجبور می شوم که تو را زنده زنده در آتش بسوزانم." پالی کارپ پاسخ می دهد که: من ۸۰ سال است که به مسیح ایمان آورده و او را خدمت کرده ام. در طول این ۸۰ سال مسیح به من هیچ بدی نکرده است. چرا حالا بعد از ۸۰ سال محبت و وفاداری ای که مسیح به من کرده است را انکار کنم؟" آن فرمانده رومی باز پالی کارپ را تهدید می کند که: "اگر قیصر را عبادت نکنی تو را در آتش زنده زنده می سوزانیم." پالی کارپ پاسخ می دهد: "آتش تو برای چند دقیقه می سوزاند. ولی من از آتشی خبر دارم که برای ابد کسانی را که مسیح را رد می کنند خواهد سوزانید. من از آتش تو ترسی ندارم."

پس پالی کارپ را گرفته، و به یک تیر چوب بستند، بدورش هیزم گذاشته و آتش را روشن کردند. و پالی کارپ در حالیکه مسیح را حمد می گفت و به آن شعله های آتش نگاه می کرد، زنده زنده سوختن

در آتش را به عنوان اراده خدا برای زندگیش پذیرفت. پالی کارپ آن مرد خدا، شبان کلیسای اسمیرنا، شاگرد یوحنا رسول، سازش نکرد، استقامت و پایداری از خود نشان داد.

اگر من و شما هم می خواهیم مردان و زنان خدا باشیم باید در زندگی کردمان با مسیح بطور روزانه استقامت و پایداری از خود نشان دهیم. راه مسیح از سختی و مشکلات و جفاها خالی نیست. اگر می خواهیم ایماندارانی بشویم که مثل فولاد آبدیده هستند، مانند دانیال، مانند پالی کارپ، آنوقت باید حاضر باشیم که به شعله های آتشین جفاها، و یا شیران درنده دشمن بنگریم و جفا دیدن در راه مسیح را، حتی به پای مرگ، به عنوان اراده خدا برای زندگیمان، بپذیریم.

در آیات ۱۲ و ۱۳ حمله دشمنان دانیال را می بینیم.

۱۲ آنگاه به حضور پادشاه نزدیک شده، درباره فرمان پادشاه عرض کردند که «ای پادشاه آیا فرمانی امضا نمودی که هر که تا سی روز نزد خدایی یا انسانی سوای تو ای پادشاه مسألتی نماید در چاه شیران افکنده شود؟» دقت کنید این افراد در اینجا که در ابتدا چاپلوسی داریوش را می کردند، حالا می خواهند مسئولیت توطئه خودشان را بگردان داریوش پادشاه بیاندازند.

پادشاه در جواب گفت: «این امر موافق شریعت مادیان و فارسیان که منسوخ نمی شود، صحیح است.» بله را از دهان داریوش می گیرند، و بعد دامشان را می اندازند.

۱۳ پس ایشان در حضور پادشاه جواب دادند و گفتند که «این دانیال که از اسیران یهودا می باشد به تو ای پادشاه و به فرمانی که امضا نموده ای اعتنا نمی نماید، بلکه هر روز سه مرتبه مسألت خود را می نماید.»

دقت کنید هنوز بعد از ۷۰ سال این برچسب را بر دانیال میچسبانند که او فقط یک اسیر یهودی است. بعد از ۷۰ سال که دانیال در تبعید بوده، هنوز به عنوان یک خارجی، یک یهودی، یک اسیر به او نگاه می کنند. دنیا همیشه به خادمین خداوند با نگاه حقارت نگریسته است. بهرحال، این افراد به پادشاه می گویند: **این دانیال . . . به تو ای پادشاه و به فرمانی که امضا نموده ای اعتنا نمی نماید، بلکه هر روز سه مرتبه مسألت خود را می نماید.** یعنی می گویند دانیال به تو ای پادشاه احترام نمی گذارد، که این یک دروغ محض بود. **و هر روز سه مرتبه در حضور خداوندش دعا می کند.** و این قسمت کاملا درست بود.

دانیال همیشه در احترام و اطاعت نسبت به پادشاه رفتار می کرد. البته تا آنجائی که با کلام خدا مغایرت نداشت. دقیقاً مطابق سخن مسیح در متی ۲۲: ۲۱، **مال قیصر را به قیصر ادا کنید و مال خدا را به خدا!** دانیال آن اطاعتی که متعلق به پادشاه بود به پادشاه می داد، و آن اطاعتی را که متعلق به خداوند بود را به خداوند می داد. و حتی وقتی که فرمان پادشاه با کلام خدا مغایرت پیدا می کرد، هنوز هم احترام پادشاه را نگه داشته ولی از آن فرمان اطاعت نمی کرد.

داریوش حالا متوجه می شود که چه فریبی خورده است. آنها به او گفته بودند که: "جمعیت مقامات کشور با هم مشورت کرده ایم که تو ای پادشاه برای مدت ۳۰ روز خدا بشوی و هیچ کسی اجازه ندارد در مدت این ۳۰ روز به هیچ کس دیگری دعا کند غیر از تو. و اگر کسی به خدای دیگری دعا کرد در چاه شیران افکنده شود." ولی گفته شان دروغ بود چون با دانیال که نخست وزیر کشور بود هیچ مشورتی نکرده بودند.

داریوش می خواست برای ۳۰ روز خدا بشود ولی در عرض یک روز به یک نادان جاه طلب تبدیل شد. داریوش در اینجاست که می فهمد چه اشتباهی کرده، و بدون تعمق و مطالعه از روی جاه طلبی دست به کاری زده است که حالا پشیمان است. ما هم وقتی بدون دعا در حضور پدر آسمانی، بدون مطالعه کلام خدا و تفکر بر روی آن، بدون مشورت با کلیسا، تصمیمی می گیریم مطمئن باشید که نتیجه اش پشیمانی است.

داریوش پادشاه دانیال را می شناخت. می دانست که آن مرد خدا هرگز از پرستش خداوندش دست بر نمی دارد. و حالا داریوش عصبانی می شود. می دانید نسبت به کی؟ نسبت به خودش.

۱۴ آنگاه پادشاه چون این سخن را شنید بر خویشتن بسیار خشمگین گردید و دل خود را به رهانیدن دانیال مشغول ساخت و تا غروب آفتاب برای استخلاص او سعی می نمود.

داریوش حداقل آنقدر صداقت داشت که متوجه گناهکاری خودش بشود. می فهمد و قبول می کند که خودش مقصر است. داریوش سعی نمی کند تقصیر اعمالش را گردن دیگران بیندازد. کاری که ما ایرانی ها در آن استاد هستیم. مسئولیت پذیر باشیم. کلام خدا در یعقوب ۱: ۱۴ می فرماید:

۱۴ لکن هرکس در تجربه می افتد، وقتی که شهوت وی او را می کشد، و فریفته می سازد.